

## پیرامون پایان فعالیت «محفل» پیکارگر کمونیست!

محفل «پیکارگر کمونیست» با انتشار اطلاعیه‌ای، پایان فعالیت سایت خود را اعلام کرد. این اقدام در نتیجه مباحثات ما با رفقای تشکیلات کارگران انترناسیونالیست طی دو سال گذشته، صورت گرفت. حقیقت این است که، موجودیت و سپس انحلال سایت پیکارگر کمونیست، تنها لحظات کوچکی، از یک حرکت پرفرازونشیب، بر بستر یک تاریخ معین بوده است. تلاش برای دست‌یافتن به یک بدیل کمونیستی، به گذشته بسیار دورتری برمیگردد. از همین رو و در آستانه آغاز همکاری با رفقای «تکا»، نگاهی مجدد به راه طی شده، ضرورت دارد. نگاه به گذشته از نظرگاه انترناسیونالیستی، به ناچار نگرشی انتقادی به گروه‌های متعددی چون، سازمان پیکار، گروه نبرد، محفل کمونیست امروز و سرانجام سایت «پیکارگر کمونیست» را نیز دربر دارد. اما هدف این نوشته، نه نقد این یا آن گرایش، بلکه بیان چکیده‌ای از تجارب تاریخی است.

گسست یا به تعبیر درست‌تر برش از یک گرایش سیاسی تاریخی امر آسانی نیست. روند رسیدن به این برش در تمامی حوزه‌ها، برای یک فعال سیاسی، راهی است پرفراز و نشیب. در طی این روند بغرنج و ناهموار گاه مانند کودکی که تازه راه رفتن را آموخته است افتان و خیزان تلاش می‌کند روی پاهای خود بایستی و با سر آگاه و انقلابی راه درست را تشخیص دهد و موانع را یکی پس از دیگری هموار سازی. اما از آنجا که قانون تکامل خطی نیست و از منشورها و موانع مختلف عبور می‌کند، باید در تمامی لحظات خود را در معرض نقد انقلابی قرار دهی تا بر روی ریل واقعی تکامل حرکت نمائی. این همان راه ناهمواری است که عناصر و محافل منتسب به جریان انتقادی درون جنبش کارگری، ناگزیر بوده و هستند تا آنرا طی کنند. متأسفانه راه میان‌بر و کوتاه‌تری وجود ندارد. اشیاء و پدیده‌ها سرگذشت و تاریخی را می‌گذرانند. از زمان پیدایش خود تا آن هنگام که زوال می‌پذیرند، از حالات و مراحل گوناگونی می‌گذرند. مفهوم رشد یا تکامل پروسه بازگشت ناپذیر این تغییرات متوالی را نشان میدهد. می‌گویم بازگشت ناپذیر زیرا هر پدیده یا شیئی که در تاریخ حیات خود از مرحله‌ای گذشت دیگر بدان بازگشتی نیست چون زمان تنها دارای یک سمت، یک بعد، از گذشته به آینده است.

به عقیده من فرازو نشیب‌ها و تجارب تاکنونی را میشود از این منظر توضیح داد تا به نتایج قابل فهمی دست پیدا کرد. تجارب مورد بحث من در این نوشتار، از بخش منشعب و مارکسیست لنینیست سازمان مجاهدین تا «کمونیست امروز» و سرانجام «پیکارگر کمونیست» تماماً جلوه‌هایی است از همین فرازو فرودهای سیاسی. تجربه‌آزمون و خطای این دوره‌ها حلقه‌های واسطی است در جهت تکامل و رفتن بسمت سنن کمونیسم انقلابی.

سؤال این است که چرا، نسلی از پویندگان راه سعادت و رهایی انسان، در راه پرفراز و نشیب قرار گرفت. روشن است که این شرایط تاریخی است که چنین «انتخابی» را بر این نسل، تحمیل کرد. میتوان به فاکتورهای زیادی اشاره کرد. در عام‌ترین تحلیل و بررسی، که شرائط امپریالیستی تولید سرمایه‌داری و مسائل مربوط به انکشاف کاپیتالیستی جامعه ایران از آغاز قرن جاری به بعد، ارتداد سران انترناسیونال دوم از مارکسیسم و کمونیسم و ظهور سوسیال‌دمکراسی در غرب و سرانجام پروسه شکست انقلاب کارگری اکتبر از مهمترین فاکتورهای تاریخی مزبور هستند. استقرار سرمایه‌داری دولتی در روسیه یا بخشهای دیگری از جهان زیر لوای سوسیالیسم، بر پیدایش و تکامل چپ ایران تأثیرات تعیین‌کننده‌ای نهاد. چپ ایران در شرائطی متولد گشت که جنبش باصطلاح کمونیستی در سطح بین‌المللی از روایت مارکسیستی سوسیالیسم، فاصله گرفته بود. چپ بطورالعموم صرفنظر از برخی تندس‌های پاره‌وار و منفرد مارکسیستی، در انسجام یکپارچه خود چیزی بیشتر از چپ بورژوازی نبود. مشخصاً درک چپ ایران از سرمایه‌داری درکی عمیقاً غیر مارکسیستی و بورژوائی، تبیین‌وی از شرائط امپریالیستی تولید عموماً ناسیونالیستی، سوسیالیسم‌وی تماماً سرمایه‌داری دولتی، انقلاب‌وی حاوی مضمونی تمام‌عیار رفرمیستی و بینش‌وی نسبت به برنامه، کار روتین و خط مشی عملی جنبش کارگری، در بهترین حالت، متأثر از مانوئیسم، استالینیسم و تروتسکیسم بوده است. چرا که، جنبش‌هایی چون فدائیسیم، توده‌ایسم، همواره یک پای در دستگاههای فکری مد روز دانشگاهی داشتند. در بستر چنین شرایط تاریخی بود که گروه‌ها و گرایشاتی در بین جریانهای موسوم به خط 3 آغاز به تلاش برای برش از این دستگاههای فکری کردند. تلاشی که همواره در بن‌بست تاریخی خویش محصور ماند و نتوانست دریچه‌نوینی بسوی آینده بگشاید.

### سازمان پیکار و خط 3

در میان چپ ایران گرایشاتی وجود داشت که تمایزات مهمی را هم با خود حمل می‌کردند، اما این گرایشات برغم تفاوت‌هایشان، هیچگاه فراتر از دایره شمول ویژگیهای یاد شده نرفتند. تمایزات اینان، بیشتر تجلی آرمانگرایهای انسانی در مقابل فرصت‌طلبی‌ها و سودجوییهای گروهی، انقلابیگری سطحی در برابر اپورتونیسیم عیان بود. در مواردی نیز شاهد وابستگی‌های اجتماعی به توده‌های کارگر و فرودست در برابر تعلقات بورژوائی، سوسیال‌رفرمیسم

سندیکالیستی در مقابل ناسیونال پوپولیسم لیبرالیستی و مشابه اینها بوده است. تا آنجا که به بحث ما مربوط میشود وحدت ها و انشعابات رایج در میان این طیف از چپ نیز لاجرم، همین مشخصه های عمومی را با خود به همراه داشته است.

بخش منشعب از سازمان مجاهدین زمانی معرف چپ ترین بخش جنبش چپ ایران در میان گروههای داخل و خارج بود. تجزیه این تشکیلات و انشعابات سال 57 آن نیز قطعاً در جهت گسست از دستگاه نظری چپ سرمایه سیر نمی کرد. طی سالهای 56 و 57 حاکمیت بلامنازع بوروکراتیسم ناشی از مشی چریکی و عدم تمکین رهبری به خواست اعضا منجر به تشدید کشمکش هائی در سطح رهبری و اعضاء گردید. بخشی از اعضاء خواستار تاسیس کنگره و ارجاع رهبری به تشکیلات شورای نمایندگان بودند. این کشمکشها دوام چندانی نیافت و پس از مدتی، مجموعه بخش منشعب در آستانه یک انشعاب قرار گرفت.

در خلال جدائیها، بخش منشعب به دو گروه و یک سازمان تقسیم گردید. اکثریت، تحت نام سازمان پیکار شروع به فعالیت کرد و دو گروه باقیمانده بنامهای «گروه نبرد برای رهائی طبقه کارگر» و «گروه آرمان در راه آزادی طبقه کارگر» اعلام موجودیت نمودند.

برغم تمامی تشبّهات شبه کمونیستی، برداشت گروههای فوق از مبانی مارکسیسم و تحلیل آنها از نظام سرمایه داری، در داربست همان نظرگاههای چپ سرمایه، محصور ماند. توضیح شیوه تولید مسلط جامعه تحت عنوان سرمایه داری وابسته، درکی ناسیونالیستی از سرمایه داری معاصر، نقدی مائوئیستی و یا سوسیال دمکراتیک از سوسیالیسم روسی، باور به جمهوری دمکراتیک خلق و مشابه اینها خطوط کلی مواضع و نظرات سازمان پیکار و گروههای مشابه را تعیین می کرد. بر همین اساس سازمان پیکار و گروههای همردیف آن، از لحاظ محتوای تبلیغ و کار روتین عملی قادر به جهتگیری کمونیستی نگشتند. هفته نامه های آنها از جمله نشریه پیکار ارگان سیاسی سازمان در مجموع به طرح همان مطالبی می پرداخت که تمامی مطبوعات دیگر خط 3 به درج آن می پرداخت. تقلاً برای افشاء سیاست های ضدکارگری رژیم اسلامی، بحث ژورنالیستی پیرامون مناقشات میان گروههای درونی حاکمیت، اخبار مبارزات کارگری وتوده ای، مجادلات مکتبی و فرقه گرایی با سایر گروههای خط 3 به شیوه تمامی گروههای دیگر و طبعاً زیر لوای مبارزه ایدئولوژیک، افشاء توده ایها و اکثریتی ها و نظائر اینها از جمله مباحث این روزنامه بودند.

سازمان پیکار و گروههای مشابه علیرغم یکزاکهای که در برخورد به حاکمیت داشت از جمله جریاناتی بود که بر ماهیت ضدانقلابی حاکمیت تاکید داشت، اما این موضع گیری با همه رادیکالیسم ظاهری اش هیچ نشان چندانی از نقد کمونیستی و کارگری دولت به همراه نداشت. جمهوری اسلامی بدرستی ارتجاعی و ضد انقلابی و ضد کارگری ارزیابی می شد اما به این دلیل که مثلاً قادر به رفع سلطه اقتصادی و سیاسی امپریالیسم نبود (مثل اینکه قرار بود باشد) برداشتی که اساساً در روایت دستگاه نظری چپ سرمایه از سرمایه داری معاصر ریشه داشت، به کلام دیگر دیدگاهی که از یکسو تمامی هست و نیست و ستیزش با سرمایه انحصاری در اتوپی استقلال صنعتی خلاصه می گردید و از سوی دیگر در جستجوی انقلابی دمکراتیک برای تحقق این اتوپی موهوم مکتبی بود. پیکار نیز همسان همه گروههای دیگر خط 3 برای برقراری جمهوری دمکراتیک خلق مبارزه می کرد و انقلاب را تنها از این روی که موفق به استقرار چنین جمهوری نشده بود شکست خورده تلقی می کرد. پیکار در تکاپوی به پیروزی رساندن یک انقلاب خلقی و دمکراتیک تامین خودکفائی اقتصادی و استقلال صنعتی یعنی همان اتوپیای کهنه چپ ناسیونالیست ایران را بمثابة بخش مهم مطالبات فوری کارگران و زحمتکشان در برنامه اش تبلیغ می کرد. کاری که دیگر گروههای خط 3 نیز با ولع و اشتیاق مشغول انجام آن بودند.

پیکار از سوسیالیسم و انقلاب سوسیالیستی نیز در ارگانش سخن می راند اما سوسیالیسم وی همانند سوسیالیسم مورد نظر دیگر گروههای موسوم به خط 3 فقط سرمایه داری دولتی بود. سازمان پیکار در زمینه اعلام رسمی ماهیت «سوسیال امپریالیستی» اردوگاه شوروی از سویی بر مبانی فکر مائوئیسم تکیه داشت و از سوی دیگر تئوری سه جهان را مردود می شمرد. اما نقدش بر اردوگاه و هم بر مائوئیسم درست بسان موضعگیری و نقد سازمانهای دیگر، هیچ سخنی با کمونیسم انقلابی نداشت. در یک کلام سازمان پیکار در منتهی الیه کل طیف چپی بود که در مجموع نه چپ کارگری و کمونیستی بلکه یک چپ ناسیونالیست بود. بر همین اساس این طیف به همراه کل چپ درگیر تناقضی فرساینده و بن بستی سخت ویران ساز بود. تناقض میان دریافت های تئوریک و خط مشی عملی سوسیالیسم خلقی از یکسو و نیاز به الزامات دخالتگری مؤثر در جنبش کارگری از سوی دیگر، طیف خط 3 را بیش از پیش به ورطه بحران فرو میراند. بحرانی که سرانجام در آغاز سال 60 چهره خود را آشکار کرد.

با اوجگیری این بحران بر بستر اختناق و سرکوب لجام گسیخته، جناح بندی های سازمانی و مشاجرات درونی میان آنها شدت گرفت. طرفین این مشاجرات اما هیچکدام با پرچم مارکسیسم انقلابی و کارگری حرکت نمی کردند. هیچ بدیل کمونیستی در مقابل خط مشی سوسیالیسم بورژوایی حاکم بر کل چپ ابراز وجود نکرد. این سرنوشت محتوم، کما بیش در انتظار سایر جریانات مشابه قرار گرفته بود. یکی دیگر از گروههای اصلی که در خلال این تحولات جزء فعالین محافل طیف انقلاب سوسیالیستی گشت، بقایای «گروه کمونیستی نبرد» بود. این گروه هم مانند سازمان پیکار دستخوش

تحولات اساسی گردید. فعالین «گروه نبرد» پس از یکدوره بحث و کشمکش های درونی سرانجام بدون ارائه هیچگونه راه حل کمونیستی، راه تجزیه و انشعاب را در پیش گرفتند.

یک گرایش درونی این گروه یعنی «رزمندگان م.ل» مروج نوعی انحلال طلبی و فرار از صحنه بودند، آنان بن بست موجود و محتوای دستگاه نظری حاکم بر گروه را بدون هیچ گونه نقد مارکسیستی به نبود تئوری ارجاع می دادند. و بر همین مبنی نیز این گرایش، خواستار روی آوری به مطالعات فلسفی گشت. در مقابل اعضای نبرد سابق، گرایش دیگری که متشکل از جریان موسوم به «درک» (دانشجویان روشنفکر کمونیست) بود، عموماً بر تداوم انقلابیگری رایج در آندوره پافشاری کرده و از برنامه ریزی لازم برای پرداختن به مطالعات تئوریک همراه فعالیت های عملی دفاع میکرد. این کشمکش سرانجام پس از چند ماه به انشعاب غالب اعضای رزمندگان م.ل از گروه کمونیستی نبرد منتهی شد. انشعابی که خیلی زود به انفعال تام و تمام و بی بازگشت اکثر آن افراد و خروج همیشگی شان از کار متشکل سیاسی منجر گردید. پس از وقوع این انشعاب نبرد در صدد جمع و جور کردن مجدد خود برآمد اما دیگر زمان نه در این راستا که در جهت خلاف آن حرکت می کرد.

بحران ناشی از تناقض خط مشی سوسیالیسم بورژوایی حاکم بر چپ از یکسو و حملات هار و سبعانه رژیم اسلامی سرمایه از سوی دیگر، هرگونه مجال تداوم کار به شیوه های سابق را سلب می کرد. حدوداً دو ماه بعد از انشعاب رزمندگان م.ل، کشمکش دیگری میان بخش باقی مانده نبرد بروز کرد. این کشمکش در شرائطی روی میداد که بخش عظیمی از سازمانهای چپ زیر فشار ضربات کوبنده رژیم سخت متلاشی شده و از ادامه فعالیت بازایستاده بودند. عده ای از اعضا خواهان عدول از فرقه بازی، وحدت با پیکار و تلاش برای حفظ نیروهای باقیمانده از یورشهای فاشیستی رژیم، تدارک مقابله متحد با این یورشها و ادامه فعالیت و در همان حال تلاش برای نقد خط مشی موجود شدند. در چنین شرایطی بود که بخش باقیمانده نبرد با برخی از اعضای قدیمی سازمان پیکار گروه جدیدی بنام بخش مارکسیست لنینیستی، انقلاب سوسیالیستی سازمان پیکار تاسیس کردند. این گرایش، ضمن تلاش برای جمع آوری افراد پراکنده و حفظ آنها از حملات رژیم، کار تئوریک پیوسته و در عین حال فشرده ای را سازمان دادند. آنان بمیزان توانشان در جهت رسیدن به تبیین انقلابی از مارکسیسم و برش از کمونیسم های بورژوایی رایج کوشیدند. این گرایش برای دستیابی به تحلیل مارکسیستی از سرمایه داری، دولت، انقلاب کارگری، روایت مارکسیستی از سوسیالیسم، تلاشهای بعمل آورد و در همین رابطه نشریه ای بنام «راه کمونیسم» را منتشر کرد. واقعیت تلخ و عریان شرایط دیکتاتوری از یکسو و نبود سنن کمونیستی از سوی دیگر اما آن محدودیت تاریخی بود که مانع از موفقیت تاریخی این تلاش ها گشت.

مختصات فوق سیمای عمومی چپی بود که ما بر متن آن پروسه تکاملی خود را برای عبور و برش از آن تداوم دادیم. بنابراین نطفه های آغازین پروسه گسست ما از درک و دریافت دستگاه نظری چپ سرمایه با شناخت از همین مولفه های مهم شکل گرفت. اکنون، با نگاه از مکان دستاوردهای امروز، درمی یابیم که همین روند، شاید در ابعادی جدی تر، توسط محافل مستقل کارگری، در جریان بوده است. نگاهی به ادبیات «تشکیلات کارگران انترناسیونالیست» و راهی که سرانجام، اهتزاز درآمدن پرچم کمونیسم انقلابی را رقم زد، نشان میدهد که در دل دورانی از شکست ها و گسست ها، یک تحول مهم تاریخی، در حال نطفه بستن بود. تحولی که امروز، فعالین از تاریخی معین را بزیر پرچمی واحد گرد میاورد. با این وصف، باید اذعان داشت، تداوم راه در شرایط خارج از کشور، هنوز به معنای رهایی از تندپچ ها و موانع موجود نبود. از همین رو تجربه «کمونیست امروز» و پایان درس آموز این تجربه، شایسته تامل بیشتری است.

## کمونیست امروز

خروج تعدادی از رفقای باقیمانده منتسب به طیف انقلاب سوسیالیستی سازمان پیکار بارقه هایی امید برای شکستن بن بست در نزد ما زنده نگه داشته شده بود. با جدایی یکی از عناصر اصلی این گرایش از حزب کمونیست ایران، بار دیگر، تلاش برای تداوم راهی که در ایران شروع شده بود، از سر گرفته شد. نتیجه این تلاش مجدد، انتشار جزوات «سیمای سوسیالیسم» و سازمانیابی محفلی ما بر گرد «کمونیست امروز» بود. برای ما، یا حداقل، در نزد نگارنده این سطور، تداوم و تکامل راه تاکتونی که ما مشترکاً در ایران دنبال کرده بودیم، یک امر بدیهی بود. برغم این راه دراز، ما کار را با شک و تردید آغاز کردیم. شک و تردید، چرا که، تمام تاریخ گذشته، عبارت بود از تشکیلات سازی های ناموفق. به نظر میرسد که واقعیات، برخلاف تصورات و برداشت ها، تکامل می یابند. راه حل اصولی را آن یافتیم تا بار دیگر، با نگاهی انتقادی، مباحث «کمونیست امروز» را مرور کنیم. این کار ضروری و عاجل مینمود. بویژه آنکه، فاکتورهای سیاسی جدیدی شرایط را تغییر داده بودند. یکی از این فاکتورها، عروج جریانی بود، که روایت دیگری از مارکسیسم و کمونیسم را در پیش پای منتقدان تاریخ تاکتونی چپ ایران، قرار میداد. بدین ترتیب، مطالعه مجدد مباحث «کمونیست امروز» در شرائطی آغاز شد که تفاوت های اساسی بین درک از کمونیسم انقلابی ابراز وجود کرده بود. مباحث چپ کمونیست و جنبش انترناسیونالیستی مانند قطب نمایی که جهت را در این راه تاریک و ناهموار، روشن کرده بود. مباحث ارائه شده، توسط، تشکیلات کارگران انترناسیونالیست، سنوالات مهمی را در پیش پای هر مدافع، نظریات «کمونیست امروز» قرار داده بود.

حقیقت این بود که نقطه عزیمت سلسله بحث های سیمای سوسیالیسم، برای پرداختن به معضلات جنبش کمونیستی، از اساس خطا بود. زیرا مباحثی که ادعای نقد و برش از دستگاه نظری چپ سرمایه داشت، هیچ نشانی از میانی کمونیسم انقلابی نداشت. نقطه شروع مباحث «کمونیست امروز» تعریف خویش همچون جزئی از سنت کمونیسم کارگری، در تمایز حککا بود. «سیمای سوسیالیسم» خود را نمایند کمونیسم کارگری راستین می پنداشت و حککا را نماینده «کمونیسم کارگری» غیر راستین. در حالی که با نیم نگاهی به اسناد حککا، تصویر دیگری پیش چشم ما می نهاد. رهبر و بنیانگذار این حزب بارها و بارها اعلام داشته بود که حککا از هیچ سنتی نمیاید و خود را یک حزب مدرن با سنتهای غربی معرفی می کرد. حتی برنامه سیاسی این حزب نیز چیزی فراتر از دنیای بهتر و مدرن تر از جامعه کنونی ایران، ارائه نمی کند. بنابراین محفل «کمونیست امروز» از یک سو میکوشید تا بقول خودش، دست به ریشه برده و به نقد بنیادهای فکری چپ دست زند، از سوی دیگر در سطحی نگری خیره کننده ای درجا زده و میکوشید با سنت تراشی جدیدی بدعت گذار سنتی باشد که صاحب اصلی آن دستگاه فکری، آنرا فاقد هرگونه سنت میدانست.

علاوه بر آن، بی ثباتی سیاسی و اغتشاش نظری «کمونیست امروز» یاد آور همان معضلات همیشگی گروههای گذشته بود. در یک شماره از نشریات قطور، شاهد طرح شعار حکومت کارگری بودیم، در شماره دیگر شعار حاکمیت سازمان مدنیت سوسیالیستی بدون هیچ گونه توضیحی طرح میشد. از یکسو خود را تلویحا مبلغ و مروج کمونیسم شورائی می دانست، از سوی دیگر، مدافع کمونیسم کارگری راستین بود. هر فرد سیاسی آشنا به نحله های فکری بمحض مشاهده این تناقضات قطعاً خودش را مورد پرسش قرار می داد که چگونه ممکن است هم کمونیست شورائی بود که با هرگونه حزب سازی مخالف است و هم کمونیست راستینی که بدنبال برنامه برای ساختن حزب کمونیست کارگران بود. هرچقدر بر مواضع نظری «کمونیست امروز» تأمل بیشتری میشد، دامنه اغتشاش و تناقض آن آشکارتر میشد. یکی دیگر از همین تناقضات مسئله انترناسیونالیسم بود. انترناسیونالیسم پرولتری یکی از رکن های اساسی هر برنامه کمونیستی و انقلابی می باشد که دوری و نزدیکی این برنامه را با مبانی اساسی مارکسیسم انقلابی محک زده میشود. محفل «ک.ا.» با سماجت تمام معتقد به برقراری سوسیالیسم در یک کشور بود. این برداشت و نگرش از اساس با احکام و برنامه کمونیستی در تعارض بود، چرا که در شرائطی این بحث طرح می گردد که ما تجربه تلخ شکست انقلاب اکتبر را در مقابل داریم که چگونه پس از شکست انقلاب در آلمان شکست انقلاب تسریع میگردد. تبیین نادرست این محفل از نظام سرمایه داری در دوره کنونی وی را به این موضع غیر کمونیستی سوق میداد. درک محفل ک.ا. همان درک ناسیونالیستی و استالینی «سوسیالیسم در یک کشور» بود. «کمونیست امروز» ادعا میکرد که چپ ها نتوانسته اند رابطه انباشت سرمایه و اضافه ارزش حاصله از استثمار طبقه کارگر را خوب آنالیز و یا آناتومی کنند. سپس نتیجه می گرفت که عدم موفقیت چپ در این باره موجب ضعف در زمینه سازمانیابی کارگران شده است. این استدلال بدفهمی نویسنده و بی ربط بودن منطق او را نسبت به تغییر و تحولات اجتماعی تاریخی نشان میدهد.

سرتاسر مباحث «کمونیست امروز» در حوزه های مختلف مملو است از همین پارادوکس هایی که فقط به نمونه های از آن اشاره شد. اغتشاش فکری حاکم بر این مباحث موجب شد تا در طی 3 سال اخیر محفل مزبور جهت گیری سیاسی خود را روشن نماید. شوربختانه این سمت گیری بر خلاف انتظارات و برآورد های سیاسی در حال حرکت است، چرا که پیش بینی، یا حداقل انتظار هر ناظری این بود که این محفل در همان محصورات و تناقضات خود بسمت کمونیسم شورائی برود. اما تجارب دردناک چپ ایران را گویا پایانی نیست. محفل «کمونیست امروز» نیز، با موج چپ ایران، به جناح «اصلاح طلبان رادیکال» پیوست.

یک هدف اساسی جنبش اصلاح طلبی داخل ایران، به بند کشیدن جنبش کارگری و تبدیل کردن آن به سکویی برای چنگ اندازی مجدد به قدرت است. جریان ارتجاعی دوم خرداد در این مسیر شکست خورد. اما امروز، طیف ادامه دهنده جنبش اصلاح طلبی برای فتح این سنگر مهم اجتماعی تمامی ابزارهای خود را بکار گرفته است. از بکار گیری توابع سیاسی سابق گرفته تا ساختن احزاب و سندیکاها و کارگری و سرانجام جلب متحدین خویش در میان طیف چپ اپوزیسیون. محفل کمونیست امروز نیز همانند دیگر گروههای ضدکارگری موجود در صف اپوزیسیون جمهوری اسلامی، به یکی از مدافعین پروپا قرص جناح چپ اصلاح طلبان تبدیل شده و کلیه امکانات خود را به انحاء مختلف در خدمت این طیف قرار داده است. متأسفانه محفل مذکور برغم تمامی تلاش های انجام شده برای برش از دستگاه نظری چپ سرمایه به نیمه راه نرسیده متوقف شد.

تناقضات درونی این محفل آنرا تاجانی سوق داده است که تبدیل به تریبون عناصر ضد کمونیست مانند آقای محسن حکیمی شده است. کسی که با صراحت تمام و با برخوردار از حمایت محافل قدرت در داخل، رسالت خود را تحقق بخشیدن به اهداف ضد انقلابی اصلاح طلبان در جنبش کارگری قرار داده و در این مسیر دشمنی خود را با کمونیست ها و سنتت کمونیستی هیچگاه پنهان نکرده است. سرانجام تلخ و عبرت آموز «کمونیست امروز» بار دیگر یاد آور این تجربه تکرار شده در تاریخ چپ ایران است. امری که در نهایت محصول جایگاه طبقاتی این چپ و مواضعی سیاسی آن است. حقیقت این است که کلیه گروهها و گرایشات جناح چپ سرمایه، برغم تفاوت هایشان، در نقش گروههای فشار

جناح‌های چپ و سویاپ اطمینان آن در آستانه هر بحران ظاهر میشوند. نقش فعلی کمونیست امروز و دیگر گروه‌های چپ ایران در مضحکه‌ای که اصلاح‌طلبان براه انداخته‌اند، این حقیقت را به اثبات میرساند. «کمونیست امروز» اگر قصد عبور از دالانهای تاریک فکری چپ سرمایه را داشت، اولین گام برای عبور از این مهلکه، میتوانست اقدامی جسورانه برای مطالعه و بررسی علل شکست انقلاب اکتبر باشد. این محفل اما به همان سبک و سیاق جریان‌های تانکونی، نقد خود را نه از بنیادهای فکری چپ سرمایه، بلکه با خورده ریزه‌هایی مونتاژ شده بنام نقد، با اهداف کوتاه بینانه شروع کرد و در نهایت نیز در چنبره همان چپ گرفتار ماند. تمامی تجارب تانکونی، نشان داد که پیش شرط شکل‌گیری یک قطب قدرتمند کمونیسم انقلابی تنها و تنها برش قطعی و انقلابی از دستگاه فکری چپ و نقد بنیادهای نظری با اتکا به درس‌های تاریخ جنبش انترناسیونالیستی است.

### **پیکارگر کمونیست**

فعال اصلی سایت «پیکارگر کمونیست» از سابقه محافل انقلاب سوسیالیستی سازمان پیکار بوده است. نطفه‌های محافل انقلاب سوسیالیستی به اوایل سال 60، زمان سیطره دور جدیدی از سرکوب و ارباب در جامعه و همچنین تعمیق بحران سازمانهای چپ، برمیگردد. فعالین محافل منتسب به طیف انقلاب سوسیالیستی خود را ماحصل تغییر و تحولات آندوره میدانند. پس از جدایی از «کمونیست امروز» و شکل‌گیری شبکه جدیدی از ارتباطات محدود در میان این طیف، سایت «پیکارگر کمونیست» ایجاد گردید. مواضع و مباحث «پیکارگر کمونیست» کاملاً متکی بر چشم‌انداز چپ کمونیست و جنبش انترناسیونالیستی بود. نه فقط مواضع و جهت‌گیری «پیکارگر» کمونیست، بلکه محتوای سایت از لحاظ ادبیات موجود، آشکارا حکایت از تلاش این حرکت، برای همگرایی با «تشکیلات کارگران انترناسیونالیست» میکرد. امری که باید آنرا مهمترین دستاورد «پیکارگر کمونیست» بشمار آورد. با این وجود باید پذیرفت که «ظهور و سرانجام پایان کار «پیکارگر کمونیست نیز» حلقه‌ای بود که تجارب تا به امروز را تکمیل میکرد.

این تجربه در عین ناکامی تلخش درسهایی گرانبهایی به ارمغان آورد. مهمترین درس آموزی از این تجربه ناموفق، سمت‌گیری اصولی برای کار روتین کمونیستی بود. بدون چشم‌پوشی کاستی‌ها و کمبودهای این حرکت، سایت «پیکارگر کمونیست» تنها جریانی بود که در کنار «تکا» ایستاد و به دفاع از میانی کمونیسم انقلابی دست زد.

به هر روی سمت‌گیری سایت پ-ک بسوی سنن کمونیستی را باید جلوه‌ای از پیشروی جریان انترناسیونالیستی تلقی کرد.

آغاز بکار سایت مزبور و جهت‌گیری آن نشان از تاثیر پذیری از یک جنبش تاریخی در پروسه برش از چپ سرمایه داشت. سنتی که برغم نیم قرن سلطه ضدانقلاب بر جنبش کارگری، از مواضع طبقاتی پرولتاریا دفاع کرده و پرچمی بدور از آلودگی‌های کمونیسم‌های بورژوازی را در اهتزاز نگاه داشته است. به امید روزی که، حرکت انترناسیونالیستی، با گردآوری گردانهای پیشرو و مبارز جنبش پرولتری در گرد پرچم کمونیسم انقلابی، راه پیشروی جامعه بشری بسوی کمونیسم را بگشاید.

**زنده باد کمونیسم انقلابی!**

**مجید فرجام**

**2 ژانویه 2006**